

تبلیغ در سیره و گفتار عارفان

امر به معروف و نهی از منکر

رحیم کارگر

بِقُلُوبِكُمْ وَالْفُطُورِ بِالسِّنِّكُمْ وَصُكُّوا بِهَا
جِبَاهَهُمْ وَلَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَئِيمَةً.

فَإِنْ اتَّقَوْا إِلَى الْحَقِّ رَجِعُوا فَلَا سَبِيلَ
عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ
وَ يَنْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ. هُنَا لَيْكَ فِجَاهُهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَ
أَبْغَضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَلَا
بِأَعْيُنٍ مَالًا وَلَا مَرِيدِينَ ظُفْرًا حَتَّى يَفِيضُوا إِلَى
أَمْرِ اللَّهِ وَيَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ!

همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و طریقه نیکان است. فریضه‌ای است بزرگ که فرائض [دیگر] به وسیله آن برپا می‌شود و راه‌ها ایمن می‌گردد و

یکی از بایسته‌های تبلیغ و از وظایف مهم مبلغان و مروجان دین الهی، «امر به معروف» و «نهی از منکر» است.

این دو اصل اساسی، جایگاهی بس ارجمند در فرهنگ انسان ساز اسلام داشته و حیات و بالندگی جامعه دینی و خیر و سعادت دنیا و آخرت مردم بدان وابسته است.

امام عارفان حضرت باقر علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ،
سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَا جُودُ الصُّلَحَاءِ. فَرِيضَةٌ
عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَ
تُحَلُّ الْمَكَاسِبُ وَتُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ
وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ فَأَتَكْرَهُوا

۱- فروع کافی، ج ۵، کتاب الجهاد، باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ص ۵۶.

کسب‌ها حلال و آنچه به ستم گرفته شده، رد می‌شود و زمین آباد می‌گردد. و از دشمنان انتقام کشیده می‌شود و کار سامان می‌یابد. پس با دل‌هایتان [از کارهای منکر و ناشایسته] انکار [و نفرت] کنید و بازبان‌هایتان دور افکنید و پیشانی‌های مرتکبان را با این کار سخت بکوبید و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نترسید.

پس اگر پند پذیرفتند و به سوی حق برگشتند، ایرادی بر آنان نیست، جز این نیست که ایراد بر کسانی است که به مردم ستم می‌نمایند و در زمین به ناحق تجاوز می‌کنند. برای آنان عذابی دردناک است. و در این مورد، با بدن‌هایتان با آنان مبارزه کنید و با دل‌هایتان دشمنشان دارید، بی آن که سلطنتی را خواستار شده و یا به مالی تجاوز کنید و یا اراده پیروزی را داشته باشید، تا آن که به سوی امر خدا برگردند و به راه طاعت او بروند.»

عالم ربّانی مولی مهدی تراقی رحمته الله درباره اهمیت و جایگاه «امر به معروف و نهی از منکر» می‌نویسد:

«امر به معروف و نهی از منکر، بزرگ‌ترین مراسم دینی و امر مهمی

است که خداوند، پیامبران را بر آن برانگیخت و بعد از ایشان، جانشینان و اوصیا منصوب کرد و نائبان ایشان را بهترین نفوس قدسی از علما قرار داد؛ بلکه مدار و محور گردش آسیای همه آیین‌ها و ادیان است.^۱»

شهید مطهری رحمته الله در رابطه با ارزش و ضرورت این دو فرضیه الهی، می‌گوید:

«اصل امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، اصلی است که به تعبیر امام باقر علیه السلام، پایه و استوانه سایر فرایض اسلامی است. این اصل، مسلمان را در حال یک انقلاب فکری مداوم و اصلاح‌جویی جاودان و مبارزه پی‌گیر و ناآرام با فسادها و تباهی‌ها نگه می‌دارد.^۲»

«امر به معروف و نهی از منکر، یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است. به اصطلاح، علت «مبقیه» است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست.

اگر می‌خواهید عزّت داشته باشید

۱- جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲- مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۴۸.

دو فریضه بزرگ است و مبلغان، دعوت کنندگان همیشگی مردم به معروف‌ها و نیکی‌ها و بازدارندگان آنان از منکرات و بدی‌ها هستند.

صاحب کتاب اخلاقی «جامع السعادات»، امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف اساسی علمای دین، و عدم توجه به آن را باعث تباهی و فساد جامعه می‌داند:

«در هر عصر و روزگاری، مردانی که به تأیید الهی مؤیدند، با نهضت خود، به اقامه این سنت (امر به معروف و نهی از منکر) بر می‌خیزند؛ بی آن که در راه خدا، از ملامت و سرزنش مردمان اندیشه کنند.

اینان علمای قوی النفس و دیندارند که با علم خود، سعی و کوشش می‌کنند و اشخاص سعادت‌مندی که نفوذ و قدرت دارند، در اجرا و تحقق آن دامن همت بر میان می‌بندند.

در نتیجه مردمان به طاعات و خیرات راغب می‌گردند و برکات

و دیگران روی شما حساب کنند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید.^۱

«امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی نیست که از بین برود، همیشه وجود دارد و باید در رأس مسائل قرار گیرد. همیشه باید مطرح شود تا آن را فراموش نکنیم.

امر به معروف و نهی از منکر همین است که ای انسان: تو تنها از نظر شخصی و فردی در برابر ذات پروردگار، مسؤول و متعهد نیستی. تو در مقابل اجتماع خود هم، مسؤولیت و تعهد داری.^۲

تبلیغ، تجلی‌گاه امر به معروف و نهی

از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، بر تک تک آحاد جامعه اسلامی واجب و ضروری است و ترک آن گناهی بزرگ محسوب می‌شود؛ اما مسؤولیت انجام آن برای مبلغان دین الهی، این مجاهدان عرصه ارشاد و هدایت، چندین برابر دیگران است.

اصولاً جدایی و انفکاک بین تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر نیست. تبلیغ عرصه عملی و واقعی این

۱- حماسه حسینی، ج ۲، ص ۷۶ و ۴۵.

۲- همان، ص ۵۱ و ۵۳.

يَقْتَضِي مِنَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَكَمْ يُرَخِّصُ لَهُمْ فِي
مَعَاصِي اللَّهِ وَكَمْ يَشْرِكُ الْقُرْآنَ وَرَغَبَتَهُ إِلَى
غَيْرِهِ^۲»

یعنی، آیا خبر ندهم شما را به فقیه
حقّ فقیه [و به عالم درست و تمام]، او
کسی است که مایوس نگرداند مردمان
را از رحمت خدای [و ایمن نگرداند
ایشان را از عذاب خدای] و رخصت
ندهد ایشان را در معصیت خدای و
ترک نکند قرآن را به نحوی که راغب و
مستمسک به غیر آن از کتاب‌های دیگر
باشد.^۳

عارف کامل امام خمینی رحمته الله علیه
می‌گوید: «از عظیم‌ترین مصادیق امر به
معروف و نهی از منکر و شریف‌ترین
و دقیق‌ترین و شدیدترین آن‌ها از نظر
تأثیر و دلنشین‌ترین آن‌ها - مخصوصاً
اگر آمر و ناهی، از علمای دین و
رؤسای مذهب (اعلی الله کلماتهم)
باشد - آن است که از شخصی صادر
شود که خودش لباس معروف را - چه
واجب و چه مستحبش را - پوشیده (و
به آن عمل کرده باشد و از منکر [و

زمین و آسمان بر رویشان گشوده
می‌شود.

در هر دوره و زمانی که عالم
عاملی یا فرمانروای عادل‌ی برای احیای
آن، قیام نکرد و سهل‌انگاری نمود،
بازار فساد رونق می‌گیرد و اعمال
خلاف دین گسترش می‌یابد و شهرها
به تباهی کشانده می‌شود و مردم در دام
پیروی از شهوات و هوا و هوس
گرفتار می‌گردند و نشانه‌های هدایت و
تقوا از میان می‌رود.^۱»

عالم ربّانی، سید جعفر کشفی نیز
موعظه و تبلیغ را با امر به معروف و
نهی از منکر مرتبط دانسته و می‌نویسد:
«واعظان و مذکران از علما، پس
ایشان طایفه‌ای می‌باشند که مشغول به
وعظ مردمان و امر به معروف و نهی از
منکر به خصوصه می‌باشند.

معنای «موعظه»، امر به معروف
است و تشویق و ترغیب نمودن در آن
و امیدوار کردن بندگان را به رحمت
خداوند. و معنای نهی از منکر، تهدید
و تخویف نمودن و ترسانیدن بندگان
را از سخط خداوند؛ چنان‌که
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَتَّىٰ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ

۱- جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۲- بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۸.

۳- میزان الملوك والطوائف، ص ۱۶۹.

«أَمَا بَعْدُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ
بِحَيْثُ مَا عَمِلُوا مِنَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَنْهَهُمُ
الرَّبَّائِثُونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ ذَلِكَ فَأَنْتُمْ لَمَّا تَمَادَوْا
فِي الْمَعَاصِي نَزَلَتْ بِهِمُ الْعُقُوبَاتُ، فَمَرُّوا
بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَعْلَمُوا إِنَّ الْأَمْرَ
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يَقْرَبَا أَجَلًا وَ
لَنْ يَنْقُضَانَ مِنْ رِزْقِي إِنَّ الْأَمْرَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
إِلَى الْأَرْضِ كَقَطْرِ الْمَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَدَرَ
اللَّهُ زِيَادَةً أَوْ تَقْضَانًا؟»

عامل تباهی و هلاکت پیشینیان آن
بود که خدا را نافرمانی می کردند، ولی
عالمان آنان، بازشان نمی داشتند، چون
نافرمانی آنان ادامه یافت [و عالمان آنان
را جلوگیر نشدند؛ عقوبت ها بر آنان
فرو ریخت. بنابراین امر به معروف و
نهی از منکر کنید و بدانید که امر به
معروف و نهی از منکر نه اجل را
نزدیک می کند و نه روزی را کم
می نماید؛ زیرا روزی [هرکس] چونان
قطره های باران از بالا، به اندازه ای که
خداوند مقدر کرده است؛ کم یا زیاد،
برسد.^۴»

حرام] بلکه از مکروه دور باشد و به
اخلاق انبیا و اهل معنویت متخلق باشد
... تا آن که با کار و روش و اخلاقش امر
و ناهی باشد و مردم به او اقتدا
نمایند.^۱»

عالم متقی، شیخ عباس قمی رحمته الله در
رهنمودهای اخلاقی به مبلغان
می نویسد:

«بر اهل منبر و روضه خوان ها
است که در کار خویش، اموری را پاس
دارند تا در زمره بزرگ شماران شعائر
الهی قرار گیرند و بر ارشاد و هدایت
بندگان خدا، توفیق یابند. یکی از این
امور این است که [امر به معروف و نهی
از منکر کنند. پیامبر اسلام فرمود: «إِذَا
ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَيُظْهِرُ الْعَالِمُ عِلْمَهُ وَالْأَ
فَعَالِيهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَنْجَمِينَ؟»
وقتی بدعت ها (مطالب نو پیدای
مخالف دین) پیدا شد، بر عالم است که
آنچه را حق است، به مردم بگوید و
علمش را آشکار کند، و گرنه لعنت و
نفرین خدا، فرشتگان و همه مردم بر او
باد.»

و نیز روایت شده است که امیر
المؤمنین علیه السلام، در خطبه ای پس از حمد
و ستایش خداوند فرمود:

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۲۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۲۳۴.

۳- همان، ج ۹۷، ص ۷۴.

۴- مجله حوزه، شماره ۴۷، ص ۹۱ و ۹۲.

حاج میرزا علی آقا ضمن آن
 که دیگران را موعظه می نمود
 و با بیاناتش به اصلاح افراد
 مبادرت می ورزید، خیلی
 مشتاق بود که توسط
 اشخاص، خطاهای خودش
 تصحیح گردد و برخورد تلخ
 صادقانه را بر سخن های
 شیرین و توأم با تملق کاذبانه
 ترجیح می داد.

در باره آیت الله حاج میرزا علی
 آقا شیرازی رحمته الله علیه نوشته شده است: «او
 اجرای امر به معروف و نهی از منکر را
 با موعظه و منبر پیش گرفت. چنین
 روشی موجب می شد که مردم به
 شیوه ای مستقیم از بدی ها و نیکی ها
 آگاهی یابند. کسی جامعه را به سوی
 خوبی فرا می خواند که در نیکی ذوب
 شده و هیچ گونه تکلف و تحمیلی،
 رنگ تعهد و پیام او را به خود نگرفته
 بود.

او مشاهده می کرد در جامعه
 انسان هایی دیده می شوند که از حیث
 روانی دچار هزار ضعف می باشند و
 این نابسامانی ها با کرامت و شرافت
 آنان، منافات داشت و داروی این
 دردها را موعظه (امر به معروف و نهی
 از منکر)، تشخیص داد. لذا در کنار
 تدریس، بحث، تحقیق و طبابت، این
 برنامه را ضرورتی اجتناب ناپذیر برای
 آحاد مردم دانست. سخنان برخاسته از
 دلی که به نور ایمان و صفای معنویت
 روشن شده، می تواند افراد را از
 خودخواهی - که مادر تمام رذیلت ها
 است - بیرون آورد.^۱

شرایط و آداب عرفانی امر به

معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر،
 شرایط و آداب و مراتب زیادی دارد که
 در کتاب های اخلاقی و عقیدتی بدان ها
 اشاره شده و رعایت آن ها بر تک تک
 آمران به معروف و ناهیان از منکر، لازم
 و بایسته است.

پیشوای عارفان حضرت
 صادق علیه السلام در روایتی به این امر مهم

۱- ناصح صالح، ص ۱۷۸.

آن‌ها بر ایشان ضروری‌تر و بایسته‌تر است و از ذکر سایر شرایط و مراتب - که در کتاب‌های اخلاقی بیان شده - پرهیز می‌گردد.

یکم: عدالت

عدالت و گناه نکردن، صفت و ویژگی اصلی مبلغان آمر به معروف و ناهی از منکر است. این شرط و وظیفه، برای سایر افراد واجب نیست؛ اما ضرورت و لزوم آن برای مبلغان و عالمان دین، امری روشن و بدیهی است.

در این رابطه عالم ربّانی مولی مهدی نراقی علیه السلام می‌نویسد:

«کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، لازم نیست عادل باشد و یا به آنچه امر و نهی می‌کند، حتماً عمل نماید؛ زیرا اولاً دلایل و جوب آن مطلق و بدون قید و شرط است. ثانیاً بر کسی که فعل حرامی را انجام می‌دهد و در دیگری نیز آن را مشاهده می‌کند، دو چیز واجب است: یکی ترک آن و دیگری نهی از آن. و اگر یکی از آن دو را ترک کرد، و جوب دیگری از میان نمی‌رود؛

اشاره کرده، وظایف و بایسته‌های اخلاقی آمران به معروف و ناهیان از منکر را چنین بر می‌شمرد:

«صاحب امر به معروف، باید دانای حلال و حرام باشد، به آنچه امر می‌کند، خود عامل باشد و از آنچه نهی می‌کند، باز ایستد. خیر خواه مردم و مهربان و باریق و مدارا باشد. با گفتار نیک مردم را بشناسد، تا با هر کس به فراخور حال و منزلت او رفتار نماید. به مکر نفس و کیدهای شیطان بصیر و بینا باشد. بر آنچه به او می‌رسد، صبر کند. در پی انتقام جویی و شکایت بر نیاید، عصبیت و حمیت به کار نبرد. نیت خود را برای خدا خالص کند. از او کمک بخواهد و خشنودی او بجوید. اگر با او مخالفت و جفا شد، شکیبایی ورزد و اگر با وی موافقت شد و امر و نهی پذیرفته گشت، سپاس گوید، کار خود را به خدا واگذارد و از عیب خود غافل نشود^۱».

در این جا به پاره‌ای از آداب و شرایط اخلاقی و عرفانی «امر به معروف» و «نهی از منکر» اشاره می‌شود که بیشتر آن‌ها مربوط به مبلغان و عالمان دین است و رعایت

۱- جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۲۶.

سخنان و مواعظ او تأثیری در شنوندگان نخواهد داشت.

عارف ربّانی حاج شیخ محمد بهاری همدانی در رابطه با مراحل و مراتب امر به معروف می‌نویسد:

«بدان که در حدیث آمده است که

دانشمندان، وارثان پیامبران اند. شکی

نیست و بی‌گمان که مراد از این ارث،

درهم‌ها و دینارها نیست، بلکه ارث

بردن از حیث رسالت و تبلیغ احکام و

بازگرداندن مردمان از راه‌های کج به

سوی جاده مستقیم و تا آن جا که امکان

دارد، حفظ و نگه داری آنان در راه

مستقیم است. بنابراین شخص

دانشمند، باید اموری را مراعات کند تا

این وراثت برای او محقق شود... یکی

از آن امور این است که وقتی می‌بیند

مردم بر انجام دادن امور ناپسند

مواظبت دارند، اگر با اجتماع تمامی

شرایط، قادر بر دفع آن‌ها می‌باشد، در

خانه خویش ننشیند و به این ترتیب

عمل کند که:

ابتدا بر خود او واجب است که از

اصلاح نفس خود آغاز کند و بر انجام

زیرا در غیر این صورت، امر و نهی جز

بر معصوم، واجب نخواهد بود و

بنابراین باب امر به معروف و نهی از

منکر، به کلی بسته می‌شود... آنچه

در باره لازم نبودن شرط عدالت در امر

به معروف و نهی از منکر یاد کردیم، در

مورد افراد رعیت و مردم معمولی

است که از منکر آگاه می‌شوند. اما

شخصی که خود را در منصب اصلاح

حال مردم و ارشاد و هدایت آنان و بیان

احکام الهی به نیابت از رسول الله ﷺ

و ائمه معصومین علیهم‌السلام قرار داد، ناچار

باید دارای عدالت و تقوا و علم به

کتاب خدا و سنت (احادیث) و دیگر

شرایط... باشد. بنابراین انکار و تقبیح

اِوَارِد شده در روایات، مخصوص او

است و نه عامّه مردم.»

دوم: اصلاح و خودسازی

یکی دیگر از آداب و شرایط امر به

معروف و نهی از منکر این است که

مبلغان، قبل از مبادرت به این فریضه

الهی، به تزکیه و تهذیب نفس و

خودسازی پردازند.

کسی که بدون اصلاح نفس خود،

در صدد راهنمایی و هدایت دیگران

باشد، بهره‌ای از این کار نخواهد برد و

مُؤَدَّبُ النَّاسِ بِفِعْلِهِ قَبْلَ قَوْلِهِ؛ یعنی؛ عالم آن کسی است که تأدیب بنماید مردمان را به کردار خودش، پیش از گفتار خود.^۱ در این رابطه داستان جالب و شگفت انگیزی از عالم الهی، مرحوم آخوند ملاعباس تربتی نقل شده است. یکی از محافظان فرزند آخوند ملاکاظم خراسانی نقل می‌کند:

«در ایام زمستان برای سرکشی به املاک آقا، به نیشابور رفته بودیم. در مراجعه به مشهد در راه، بین شریف آباد و مشهد برفگیر شدیم و در قهوه خانه «حوض حاج مهدی» ماندیم... غیر از ما جمعی دیگر نیز به همان قهوه خانه پناه آورده بودند. شب فرا رسیده بود که اتومبیلی از طرف مشهد رسید و چهار نفر از جوانان پولدار و خوشگذران مشهد که چهار خانم را با خود داشتند به سبب برف و تاریکی به همین قهوه خانه آمدند.

آمدن آن‌ها در آن شب تاریک برفی در میان کوهستان، بزم عشرتی مجانی برای مسافران به وجود آورد.

دادن طاعات و ترک محرمات مواظبت کند. سپس اهل محل و شهر و پس از آن حومه شهر و اهل روستاها و بادیه‌ها و هم چنین تا دورترین نقاط عالم، به مقداری که توان دارد...^۱»
علامه راغب اصفهانی نیز نوشته است:

«بزرگ‌ترین قبایح آن است که انسانی فرمان‌ناپذیر، به دیگران دستوری دهد و بابتی خیالی، دیگران را از بدی باز دارد. کسی که در نظر دیگران به آلودگی شهره است، دعوت به حکمت کند و در خود عیبی ببیند ولی به اصلاح آن‌ها نپردازد و غیر خود را نصیحت نماید، اما به خود خیانت کند!؟»

پس اولین مرحله نصیحت آن است که نسبت به نفس خود انسان باشد؛ چون کسی که به خود خیانت کند، کمتر می‌تواند دیگران را نصیحت کند.^۲»

اصولاً بهترین امر به معروف و نهی از منکر آن است که با عمل و رفتار باشد. عالم ربانی سید جعفر کشفی رحمته الله نقل می‌کند:

«وارد شده است که «أَلْعَالِمُ مَنْ

۱- تذکره المتقین، ص ۱۲۹.

۲- بر کرانه سعادت، ص ۲۶۱ و ۱۶۷.

۳- میزان الملوك والطوائف، ص ۱۷۵.

چهار نفر به وی اقتدا کردند. یکی اذان گفت و حاج آخوند اقامه گفت و وارد نماز شدند. من هم غنیمت دانستم، وضو گرفتم و اقتدا کردم. چند نفر دیگر نیز از مسافران، از بزم عشرت رو برگرداندو به صف جماعت پیوستند. قهوه چی نیز گفت: غنیمت است یک شب اقلأ نمازی پشت سر حاج آخوند بخوانیم.

خلاصه وقتی که از نماز فارغ گشتیم، از جوان‌ها و خانم‌ها اثری نبود. بساط خود را جمع کرده بودند و نفهمیدیم که در آن شب برفی، به کجا رفتند!»

سوم: پذیرش نصایح دیگران

آمران به معروف و ناهیان از منکر - به خصوص علما و دانشمندان - باید حرف دیگران را در مورد خود بپذیرند و از ارشاد و امر به معروف آن‌ها، ناراحت نشوند.

دانشمند اخلاقی، سید عبداللّه شبّر دربارهٔ صفت ناپسند برخی از علما و ارشاد کنندگان می‌نویسد:
«گروه دیگری مشغول امر به

جوانان بطری‌های مشروب و خوراکی‌ها را چیدند و زنان، بعضی به خوانندگی و بعضی به رقص پرداختند. در گرماگرم این بساط، در قهوه خانه باز شد و مرحوم حاج آخوند، با سه چهار نفر که از تربت به مشهد می‌رفتند و مرکبشان الاغ بود، از ناچاری برف و تاریکی شب، رو به همین قهوه خانه آورده بودند و از صاحب قهوه خانه اجازه می‌خواستند که به آن‌ها جایی بدهد و او گفت: سکوی آن طرف خالی است. حاج علی اکبر می‌گفت: من با مشاهده این وضع هراسان شدم و گفتم که نکند از جانب حاج آخوند نسبت به این‌ها تعرضی بشود یا از جانب این‌ها به آن مرد اهانت گردد. آماده شدم که اگر خواستند به حاج آخوند اهانت کنند، در مقام دفاع برآیم... لکن حاج آخوند وارد قهوه خانه شد، به طوری که گویا نه کسی را می‌بیند و نه چیزی می‌شنود. به سوی آن سکو رفت و چون نماز مغرب و عشا را نخوانده بودند، از قهوه چی پرسیدند: قبله کدام طرف است؟ و او سمت قبله را نشان داد.

حاج آخوند به نماز ایستاد و آن

۱- فضیلت‌های فراموش شده، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

از جانب ناصحان و برادران ایمانی، دوستانه و صمیمانه سخن حق را بشنود و به آن گوش بسپارد و اگر در عمل به دستورات دینی و خصوصیات اخلاقی، کاستی دارد، به وی تذکر دهند.

خود را مبرای از لغزش نمی‌دانست و می‌گفت: بنده‌ای از عباد پروردگار هستم که اگر خدای مرا کفایت نکند، موفق نخواهم شد، و به دوستان و آشنایان از علما و افرادی که با آنها انس داشت، گوشزد می‌نمود که ملاحظاتی در برابرش نداشته باشند.^۲

چهارم: نرمی و مدارا

برخورد نیک و پسندیده، خوش خلقی در گفتار و رفتار، نرمی و مدارا و نصایح دوستانه، از ارکان اساسی امر به معروف و نهی از منکر به شمار می‌رود و تأثیرات و نتایج آن را فزون‌تر می‌کند.

ابو حامد غزالی می‌نویسد:

«واعظی [یکی از خلفا را] با درشتی و خشونت نصیحت می‌کرد،

معروف و نهی از منکر مردم شده و خود را فراموش کرده‌اند. و هنگامی که کسی او را به معروفی امر کند، ناراحت شده، ریاست‌طلبی می‌کند و خود را برتر از آن می‌داند که دیگری او را راهنمایی کند! و اگر در هنگامی که مرتکب عمل ناشایستی شد، کسی او را نهی کند، غضب می‌کند که من خودم دیگران را امر و نهی می‌کنم؛ حالا تو مرا نهی می‌کنی؟! این گروه از این کار خود، هدفی جز ریاست ندارند!»

حاج میرزا علی آقا شیرازی نمونه‌ای واقعی از علما و عارفان ربّانی است که با دل و جان، پذیرای سخنان و نصیحت‌های دیگران بود و از آن استقبال می‌کرد.

«حاج میرزا علی آقا ضمن آن که دیگران را موعظه می‌نمود و با بیاناتش به اصلاح افراد مبادرت می‌ورزید، خیلی مشتاق بود که توسط اشخاص، خطاهای خودش تصحیح گردد و برخورد تلخ صادقانه را بر سخن‌های شیرین و توأم با تملق کاذبانه ترجیح می‌داد.

او با آن مراتب علمی و کمالات ایمانی، خویشتن را محتاج می‌دید که

۱- الاخلاق، ص ۳۲۶ و ۳۲۷.

۲- ناصح صالح، ص ۲۰۵.

خلیفه به او گفت: «ای مرد! مهربان باش، زیرا خداوند کسی را بهتر از تو، پیش کسی بدتر از من فرستاد و به او دستور داد که به نرمی و مهربانی با او گفت و گو کند. ﴿وَقَوْلَاهُ قَوْلًا لِّنَبِيٍّ لِّعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾^۱».

عالم ربّانی علامه نراقی رحمته الله توصیه می‌کند:

«کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، باید خوشخو و بردبار و شکیبیا و قوی النفس باشد تا اگر نسبت به وی ناسزا گفته شد، پریشان خاطر و مضطرب نگردد؛ زیرا بیشتر مردم، پیرو هوا و هوس اند و اگر از میل و خواستشان باز داشته شوند، بر آنان گران می‌آید و چه بسا درباره‌ی بازدارنده، زبان بگشایند و سخنان درشت و زشت گویند و حتی کار را به بی ادبی و دشنام گویی بکشانند.

و نیز باید با مردم به رفق و مدارا رفتار کند که موعظه بارفق و ملایمت و نرمی در دل بیشتر مردم اثر بهتر و بیشتری دارد.^۲»

البته بر مبلّغ و آمر به معروف است که در عین نرمی و مدارا، جدّی و کوشا باشد و در اجرای این دستور

الهی سستی و کوتاهی نکند. درباره‌ی عالم ربّانی مرحوم بافقی آمده است: «این مرد بزرگ در امر به معروف و نهی از منکر، فوق العاده کوشا بود و در تمام شهر قم، ریش تراشی را قدغن کرد و از سلمانی‌های قم تعهد گرفته بود که ریش نتراشند. رضا خان که از نهی از منکرهای مرحوم بافقی به ستوه آمده و آن را مخالف با منویات خود می‌دید، دستور داد آگهی کنند که کسی حقّ نهی از منکر را ندارد و مردم در اعمال و کارهای خود آزادند.

پس از آن به مناسبت فرا رسیدن ایام عید و تحویل سال، خانواده سلطنتی، بدون رعایت حجاب و با وضع زننده‌ای در حرم حضرت معصومه علیها السلام جلوی مردم ظاهر شدند. مرحوم بافقی پیام داد: اگر شما مسلمانید، چرا به این صورت به حرم آمده‌اید و اگر مسلمان نیستید، این جا جای شما نیست و اعلام کرد مردم بعد از ظهر آن روز در حرم تجمع کردند و خود سخنرانی کرد و با صدای رسا،

۱- الاربعین، ص ۹۴ و ۹۵.

۲- جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۲۵.

برخورد نیک و پسندیده، خوش خلقی در گفتار و رفتار، نرمی و مدارا و نصایح دوستانه، از ارکان اساسی امر به معروف و نهی از منکر به شمار می‌رود و تأثیرات و نتایج آن را فزون‌تر می‌کند.

هر عالم اندرزگویی، باید این دام را با نور بصیرت ببیند. آن دام این است که شیطان هنگام وعظ و ارشاد، در نزد او حاضر می‌شود و خود بینی و برتری او را به سبب علمی که دارد، در دلش وسوسه می‌کند و کسی را که مورد موعظه قرار می‌دهد، نادان و خوار و پست می‌نماید. و چه بسا قصدش از وعظ، خوار ساختن و جاهل شمردن طرف و اظهار بزرگی و شرافت خویش به داشتن علم باشد.

این حالت آفتی است بزرگ و متضمن کبر و ریا می‌باشد. سزاوار است که هر واعظ دینداری از این آفت غفلت نکند و با نور بصیرت، عیوب

بانگ برآورد که آید در میان شما یک نفر مرد رشید نیست که جلوی این اهانت‌ها و جسارت‌ها به احکام قرآن را بگیرد. اکنون کار به جایی رسیده که به طور علنی با امر به معروف و نهی از منکر مخالفت می‌کنند....

این کار منجر به این شد که رضا شاه خود به قم بیاید و با مرحوم آیت الله بافقی روبرو شود و او را مورد ضرب و شتم قرار دهد.^۱

پنجم: پرهیز از غرور و خود فریفتگی

امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که یکی از آن‌ها منع و انکار به زبان است. در این جا ممکن است برخی از مبلغان و عالمان، دچار آفتی شوند که صاحب «جامع السعادات» بدان اشاره کرده، می‌نویسد:

«یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر [منع و انکار به زبان است یعنی، ابتدا با پند و نصیحت و اگر اثر نکرد با ترساندن و باز داشتن تا آن جا که نوبت به سخنان تند و درشت برسد. مثل این که بگوید: ای نادان! با پروردگارت مخالفت مکن! در اینجا دامی بزرگ برای شیطان هست که بسا بیشتر واعظان را شکار می‌کند. بنابراین

۱- حکایات گزیده، ص ۱۰۶.

خود و زشتی درون خویش را بشناسد و نشانه پاک بودن نفس از این آفت، این است که اگر آن گناهکار با پند شخصی دیگر، پند پذیرد، یا خود از معصیت باز ایستد، دوست تر دارد تا به وسیله و عطف او پند گیرد.^۱

عارف کامل امام خمینی علیه السلام می گوید: «سزاوار است که امر به معروف و ناهی از منکر در امر و نهی و مراتب انکارش مانند پزشک معالج مهربان و پدر با شفقت که مراعات مصلحت مرتکب را می نماید، باشد...»

قصدش را فقط برای خدای متعال و رضایت او قرار دهد و این کارش را از آلودگی های هواهای نفسانی و اظهار بزرگی، خالص نماید و نفس خودش را منزّه نداند و برای آن بزرگی یا برتری بر مرتکب نبیند؛ که چه بسا برای شخص مرتکب گناه - ولو گناهان کبیره باشد - صفات خوب نفسانی باشد که مورد رضایت خدا می باشند و خداوند متعال او را به خاطر این صفات دوست دارد، اگر چه کار او مورد بغض خداوند می باشد و چه بسا امر و ناهی عکس او باشد، اگر چه بر خودش پوشیده است.^۲

ششم: داشتن علم و دانش

یکی دیگر از شرایط امر به معروف و نهی از منکر، داشتن دانش و آگاهی لازم درباره انواع گناهان و حرام های الهی و شناساندن دقیق آنها به مردم است. از آن جایی که مبلغان و واعظان، نسبت به دیگران علم و اطلاع زیادتری نسبت به احکام و فرمان های الهی دارند، باید اهمیت بیشتری نیز بدان قائل شوند و جلوی اشتباه و بد فهمی دیگران را بگیرند.

عالم ربّانی مولی مهدی نراقی رحمته الله علیه می نویسد:

«یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر [علم به معروف و منکر بودن فعل است؛ تا از غلط و اشتباه در امان باشد... بنابراین هر که به وجوب یا حرمت هر امری علم قطعی دارد و می داند که در آن اختلافی نیست و ضروری دین یا مذهب یا اجماع قطعی یا از کتاب و سنت و یا از قول علما است، بر او است که امر و نهی کند»^۳.

۱- جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۲۷ و ۳۲۸.

۲- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۲۱.

۳- جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۲۱.